

محمد ملک به بهانه نمایشگاه «اتفاق های حین عبور» از وضعیت این روزهای هنر دیرینه ایران می گوید

خوش نویسی ایرانی در معرض ترکتازی

ریحانه موسوی

گزارش روز

پنجمین نمایشگاه انفرادی محمد ملک، پیشکسوت هنر خوش نویسی مشهد، با عنوان «اتفاق های حین عبور»، مشتمل بر سی قاب سیاه مشق، عمر پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت در نگارخانه اشراق حوزه هنری انقلاب اسلامی گشایش یافت و تا سه شنبه ۳۰ اردیبهشت از ساعت ۱۰ تا ۱۷ و ۲۰ تا ۲در معرض دید عموم قرار دارد.
برروی اولین قابی که در ابتدای نمایشگاه به قلم جواد گنجعلی، نویسنده، شاعر و منتقد ادبی اهل نیشابور، قرار دارد، نگاشته شده است: «غم حکم کاغذ است/ تو نی، من مرکبم/ ای شعر ناگزیر! تویی مشق هر شیم// هرجا قلم گریست دلم یاد چشم توست/ هر جا که ناله کرد تو بودی مخاطبم»

پس از آن، دیوار نگارخانه اشراق آثار سیاه مشق محمد ملک را که شامل قاب های سیاه مشق کوچک است، دربرگرفته و مخاطبان مشغول تماشای آن ها هستند. برخی نیز در حال گرفتن عکس از آثار بوده و گروهی هم گرد این هنرمند جمع شده اند و با او مشغول گفت وگو هستند.پس از تماشای آثار به سراغ محمد ملک رفته ایم و درباره برگزاری این نمایشگاه و همچنین هنر خوش نویسی گفت وگو کردیم که در ادامه می خوانید.

- تلاش برای جذب مخاطبان نسل جوان به هنر خوش نویسی
- این استاد پیشکسوت که این نمایشگاه را بعد از وقفه ای ۱۰ساله برگزار کرده است، درباره آن گفت، در این فاصله که خود خواسته نیز بود، بیشتر سعی کردم به فرم های تازه تری فکر کنم، تا بتوان مخاطب نسل جوان را به سمت خوش نویسی کشاند، زیرا هنر ملی ما ایرانیان بوده و اکنون متأسفانه اقبال عمومی مردم به خط کم شده است. این هنرمند درباره متن اول نمایشگاه که توسط جواد گنجعلی نوشته شده است، گفت: خوش نویسی و شعر ارتباط میان رشته ای یا یکدیگر دارند؛ شعر وقتی نوشته شود ماندگار خواهد شد و پیوند زیادی بین ادبیات و خوش نویسی وجود دارد. من در نمایشگاه های قبلی از اشعار جواد گنجعلی استفاده کردم. اکنون نیز از نگاه یک هنرمند شاعر به بافت خوش نویسی نگریستیم و این

در هفته گذشته (۲۰ تا ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۴) فیلم سینمایی «صدام» به کارگردانی پدram پورامیری در صدر جدول فروش سینماهای خراسان رضوی قرار گرفت. به گزارش شهرآرا نیوز، فیلم سینمایی «صدام»، با فروش ۲۹ هزار و ۷۶ بلیت در ۲۴۹ ستانس، ۲۱میلیارد و ۸۰ میلیون و ۲۳۵هزار ریال فروش داشته است. فیلم سینمایی «خانه ارواح» به کارگردانی کیارش اسدی زاده، با فروش ۶ هزار و ۱۱۰ بلیت در ۴۶۶ ستانس، ۴میلیارد و ۱۹۲ میلیون و ۶۴۰ هزار ریال درآمد داشته است. فیلم سینمایی «دایناسور» به کارگردانی مسعود اطیابی، با فروش ۵هزار و ۷۷۵ بلیت در ۲۸۰ ستانس، ۳میلیارد و ۸۷۹ میلیون و ۱۲۹ هزار و ۱۰۰ریال فروش داشته است. پویانمایی «رؤیا شهر» به کارگردانی محسن عنایتی، با فروش ۴ هزار و ۳۴۱ بلیت در

۲۰۵ ستانس، ۲میلیارد و ۹۱۲ میلیون و ۲۳۸ هزار و ۸۹۰ریال درآمد داشته است. فیلم سینمایی «پیشمرگ» به کارگردانی علی غفاری، با فروش ۴ هزار و ۴۱ بلیت در ۶۲ ستانس، یک میلیارد و ۸۷۸ میلیون و ۱۴۰ هزار ریال فروش داشته است. فیلم سینمایی «کوکتل مولوتف» به کارگردانی حسین دوماری، با فروش ۲ هزار و ۴۳۶ بلیت در ۱۶۵ ستانس، یک میلیارد و ۷۴۲ میلیون و ۸۲۸ هزار و ۶۸۰ریال فروش داشته است. فیلم سینمایی موسی کلیم... به کارگردانی ابراهیم حاتمی کیا، با فروش ۲ هزار و ۷۴۱ بلیت در ۱۵۴ ستانس، یک میلیارد و ۷۰۹ میلیون و ۶۴۲ هزار ریال فروش داشته است. فیلم سینمایی «زیبا صدایم کن» به کارگردانی رسول صدراعاملی، با فروش ۲ هزار و ۱۶۷ بلیت در ۱۸۲ ستانس، یک میلیارد و



۵۷۷ میلیون و ۹۵۰ هزار ریال فروش داشته است. پویانمایی پسر دلفینی ۲ به کارگردانی محمد خیراندیش، با فروش ۲ هزار و ۲۰۸ بلیت در ۱۲۴ ستانس، یک میلیارد و ۱۰۲ میلیون و ۱۲۳ هزار و ۵۵۰ریال فروش داشته است.

فتح گیشه بافرمول همیشگی

درباره «دایناسور» که یک کمدی تکراری، اما کمی باوقارتر از نمونه‌های مشابه است

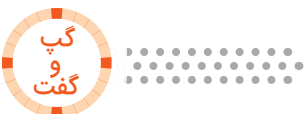


است. این گرهِ خوردگی ساده، موقعیت های طنز متعددی رابه وجودمی آورد که بیشتراز شوخی های کلاسی، بر اساس موقعیت ها و روابط انسانی شکل می گیرد. این موضوع در مقایسه با بسیاری از آثار مشابه همچون «کوکتل مولوتف»، «دایناسور» را از تکرار کمی دورتر می کند و شوخی های این اثر را قابل پخش تر جلوه می دهد.

- آمار فروش و استقبال از فیلم**
- تا امروز فیلم «دایناسور» با ثبت عدد حدود۱۴میلیاردتومانی، عنوان پر فروش ترین فیلم سینمای ایران را به خود اختصاص داده است. این رقم قابل توجه، نشان دهنده علاقه مداوم مخاطبان به دیدن یک کمدی خانوادگی است که به جای تکیه بر شوخی های سخیف، از داستانی با مؤلفه های نسبتاً متفاوت بهره می برد. این موفقیت در گیشه،

- یک رابطه خانوادگی**
- یکی از جذاب ترین جنبه های فیلم «دایناسور» که حساب آن را تا حدی از سایر کمدی های عامه پسند جدا می کند، طراحی قصه بر مبنای رابطه پدر و دختری است که سال ها از هم دور بوده اند.
- این رابطه، هم زمان جنبه های کمیک وتراژیک دارد و به نوعی احساسات انسانی را با زبانی کمیک به مخاطب عرضه می کند. در سینمای کمدی ایران، این گونه پرداخت های انسانی کمتر دیده شده و همین موضوع اجازه نمی دهد که «دایناسور» تکراری به نظر برسد؛ هرچند طبیعتاً دست نویسنده را برای طراحی شوخی هایی که موجبات قهقهه مخاطب را فراهم می آورد، تا حدی می بندد. اگرچه این بخش در «دایناسور» به طور مؤثری به نمایش درآمده، اما ظرفیت بیشتری برای عمق بخشی به شخصیت ها و روابط وجود داشت تا فیلم را از یک کمدی صرفاً سرگرم کننده به اثری برجسته تر تبدیل کند؛ هرچند که این ظرفیت تا حد زیادی هدر می رود.

- ماقبل نقد در مؤلفه های فنی و هنری**
- با وجود پیرنگ جذاب و متفاوت، «دایناسور» در جنبه های فنی و هنری خود، با ضعف هایی جدی همراه است. از نظر فیلم برداری، طراحی صحنه، گریم، تدوین و موسیقی و... فیلم در وضعیت نسبتاً ساده ای قرار دارد که تفاوتی را با همان جنس کمدی های شانه تخم مرغی نشان نمی دهد. هیچ کدام از این ابعاد به طور برجسته ای به کمک داستان نمی آیند و فیلم به طور کلی فاقد عمق بصری و خصایل ویژه در کارگردانی است.
- این نکته نشان می دهد که تمرکز سازندگان بیشتر بر خلق لحظات خنده دار و در نهایت سرگرم کننده بوده است و جنبه های دیگر سینمایی در حاشیه قرار گرفته اند.



گفت وگو با پدram پورامیری، کارگردان فیلم «صدام»، به بهانه اکرانش در مشهد عطاران نبود فیلم «صدام» ساخته نمی شد



مهدیه مالکی! پدram پورامیری، کارگردان دهه هفتادی فیلم سینمایی «صدام» که فیلم های اجتماعی خوبی در پرونده فیلم سازی اش دارد، برای اولین بار ژانر کمدی را با «صدام» تجربه کرده است. دراین باره با این کارگردان جوان به گفت وگو نشستیم.

- چرا در اولین تجربه فیلم سازی کمدی خود به سراغ «صدام» رفتید و ژانر کمدی سیاسی را انتخاب کردید؟

من چندین سال در حوزه اجتماعی، علاوه بر نگارش فیلم نامه، به ساخت فیلم نیز پرداخته ام که اغلب تأثیرگذار بوده و با استقبال روبه رو شده است. همواره در عرصه سینمای اجتماعی، در حد توان و بضاعت خود، علاوه بر خلق امید، به عنوان عضوی از جامعه، در پی نمایش مشکلات اجتماعی بوده ایم تا صدای نسل و جامعه خود باشیم. نمایش این مشکلات را راهی برای سازندگی و رفع آن ها می دانیم.

فیلم «صدام» را با هدف ساخت کمدی سیاسی ساختم، بلکه قصد داشتم با روایت قصه، موقعیت و فضای بخشی از اتفاقات واقعی تاریخ معاصر ایران - به ویژه دوران اوایل انقلاب - بخشی از تاریخ کشور را بازگو کنم. دغدغه ام روایت تاریخ ایران بود، نه ساخت کمدی صرفاً با مؤلفه های سیاسی.

- سوزه فیلم به شما پیشنهاد شد یا طرح اولیه از خودتان بود؟
- سوزه پیشنهادی نبود و ایده اولیه برای من، حسین دوماری و محمد کرمی بود. در نهایت، با رضا فخار و با مشورت رضا عطاران، مدت زیادی روی فیلم نامه کار کردیم. این سوزه برای من که قصد داشتم اولین فیلم کمدی ام را بسازم، جذاب بود زیرا قصه و موقعیت گیرایی داشت. در نهایت به این نتیجه رسیدیم که اگر روایت این داستان در قالب کمدی شکل بگیرد، تأثیرگذاری بیشتری خواهد داشت.

- به نظر شما تأثیرگذاری فیلم کمدی بیشتر است یا اجتماعی؟
- به عقیده من اگر بتوانم مختصات جهان قصه ام را پیدا کنم و بفهمم که بهترین ژانر برای بیان آن مفهوم چیست و ژانر درست انتخاب شود، کمدی و اجتماعی هر دو تأثیرگذار خواهند بود و این تشخیص کارشناسی فیلم ساز است که قصه را در چه حوزه ای روایت کند. ولی اگر ژانر درست انتخاب شود هر دو تأثیرگذار خواهند بود، چون زبان درستی برای بیان داستان انتخاب شده است و دچار لکنت نمی شود و با مخاطب ارتباط بی واسطه برقرار می کند.

- برخی معتقدند که این فیلم برای رضا عطاران نوشته شده است نظر شما در این باره چیست؟
- رضا عطاران در این فیلم نقش چندوجهی دارد، زیرا هم شخصیت صدام و هم بدل او را بازی می کند. او اولین و آخرین گزینه من برای این نقش بود و اگر این نقش را نمی پذیرفت، این فیلم اصلاً ساخته نمی شد. بنابراین ابتدا از حضور ایشان در این نقش مطمئن شدیم، سپس طرح و فیلم نامه با حضور ایشان نوشته شد.
- آقای عطاران مشاور من در این فیلم بودند و از تجربیات ایشان در ساخت فیلم بسیار بهره بردم. ایشان با دلسوزی و خلاقیت، مرا در ساخت اولین فیلم کمدی ام همراهی کردند و از ایشان بسیار آموختم.

- پس این نکته که گفته می شد برخی از شوخی ها با حضور رضا عطاران معنا یافته، درست است؟
- کمدین در یک فیلم کمدی بسیار تأثیرگذار است و می تواند لحظات را بسازد و خنده را بر لبان تماشاگر بنشاند.

- با توجه به اینکه پربازارپذیرا تاکنون نقش کمدی بازی نکرده بود، چگونه برای این نقش به ایشان رسیدید؟
- گرچه ایشان اولین نقش کمدی خود را ایفا کردند و ما تا به حال پربازارپذیر را در نقش کمدی ندیده بودیم، ولی دلیل انتخاب ایشان توانایی اش در حوزه بازیگری بود، چون یک بازیگر هوشمند و توانا می تواند در نقش های متفاوتی بازی کند. البته برای خانم ایزدیار نیز بازی در نقش کمدی جالب و جذاب بود.

- در انتخاب بازیگران، چه معیارهایی برای شما در اولویت بودند؟
- در انتخاب بازیگران، این نکته را مد نظر داشتیم که شمایل شخصیت ها به کدام بازیگر نزدیک تر است و چه کسی می تواند این نقش را به درستی ایفا کند. همچنین، بازیگر باید نقش را دوست داشته باشد و با آن زندگی کند تا بتواند آن را به درستی ایفا کند و یک تعامل دوطرفه میان انتخاب کارگردان و از بازیگر وجود دارد.

- شما و آقای دوماری با توجه به همکاری های گذشته خود، برای اولین بار فیلم کمدی ساختید، چه شد که به صورت هم زمان فیلم کمدی ساختید؟ این مسئله واقعاً خیلی اتفاقی پیش آمد و برای خود مان نیز جالب و بامزه بود. البته درباره فیلم ها با هم صحبت و مشورت می کردیم، ضمن اینکه حسین دوماری «کوکتل مولوتف» را یک سال قبل از «صدام» ساخته بود ولی این هم زمانی برای ما نیز جالب بود.
- هر نویسنده و کارگردانی از ساخت فیلم هدفی دارد، هدف شما از ساخت فیلم سینمایی «صدام» چه بود؟
- هدف فیلم را کارگردان نباید بگوید بلکه مخاطب باید با تماشای فیلم، هدف آن را درک کند و من تلاش کردم که خیلی روان، دلنشین و صمیمی این حرف را در فیلم برای مخاطب بیان کنم. امیدوارم که مخاطب آن را دریافت کرده باشد و بتواند با آن همزاد پنداری کند.

- اکنون که فیلم در سینما درحال اکران است، واکنش مخاطبان به فیلم چگونه بوده است؟
- واکنش مخاطبان به فیلم با توجه به دیده ها و شنیده های من خیلی خوب و راضی کننده است و با حال خوبی از سالن خارج می شوند.

شهریار

SHAHRAMNEWS.IR

۱۱

↓

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

ایستگاه هنر

نقد روز

مسعود اطیابی یکی از مهم ترین چهره های کمدی بدنه سینمای ایران محسوب می شود، کسی که در سال های اخیر با فیلم های پرفروشی همچون «دینامیت»، «انفرادی»، «هتل» و «تگزاس» گیشه را تحت سیطره خود در آورده است. اطیابی، با آخرین اثر خود به نام «دایناسور»، در سال جاری هم موفق بوده و در صدر جدول اکران ۱۴۰۴ قرار گرفته است. او به خوبی می داند که برای جذب مخاطب ایرانی، باید از یک ترکیب خاصی استفاده کند، ترکیبی که مؤلفه های مختلفش، از انتخاب سوزه و شکل کارگردانی گرفته تا جنس شوخی ها و حتی ترکیب بازیگران، از پیش مشخص شده است. «دایناسور»، به نویسندگی امیربزرادان و تهیه کنندگی ابراهیم عامریان، با بهره گیری از زوج پژمان جمشیدی و امیر جعفری (در نقش رضا دایناسور و جلال) تلاش کرده است تا در کنار لحظات کمدی و سرگرم کننده، رگه هایی عاطفی از یک ملودرام خانوادگی را هم، در لحظاتی بسیار محدود، به متن روایت تزریق کند. سها نیاستی، نگار فروزنده، یوسف تیموری، رضا ناچی و سوسن پرور از دیگر بازیگران «دایناسور» هستند که ترکیبی یکدست و قابل حدس برای یک کمدی عامه پسند محسوب می شوند.

- قصه ای متفاوت از یک سوء تفاهم**
- «دایناسور» داستانی را روایت می کند که با یک سوء تفاهم پزشکی آغاز می شود؛ نمونه خون یک مرد جوان که برای ازدواج به آزمایشگاه مراجعه کرده، با مرد متعددی که نگران لو رفتن است. جابه جا می شود. این اشتباه موجب ایجاد نوعی حس ناامیدی و بی توجهی به دنیا در او می شود. پیوندی ناخواسته میان دو شخصیت کاملاً متفاوت شکل می گیرد؛ یک مرد از طبقه پایین که گرفتار اعتیاد است، و دختری که برای نجات آینده اش در تلاش